یادداشت

## خانه بی‌سقف قانون!

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

گاهی در زیر سقف نهادهای بلندمرتبه، باز صدای گفت‌وگو بر سر ساختن سقف خانه‌ای برای مردم شنیده می‌شود، اما این صدا، آشناست، شبیه همانی که سال‌هاست در راهروهای مجلس، در اتاق‌های وزارتخانه‌ها، در سندهای توسعه و حتی در برنامه‌های انتخاباتی پیچیده است. این‌بار نوبت به کمیسیون زیربنایی و تولیدی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده تا دوباره از نو، «سیاست‌های کلی مسکن» را به بحث بگذارد، اما پرسش بنیادین همچنان پابرجاست: مگر این خانه، نقشه نداشت؟ مگر این راه، قانون کم داشت؟ مگر سیاستگذاری در حوزه مسکن، از فقدان سند رنج می‌برد یا از فقدان اراده؟ چه بسیارند سیاست‌ها و چه اندک هستند مسکن‌ها. بررسی سیاست‌های کلی مسکن در سال ۱۴۰۴، آن هم در ساختاری عالی‌رتبه چون مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیش از آنکه نوید سامان بدهد، یادآور چرخه‌ای از تکرار و کم‌عملی است؛ چرخه‌ای که در آن، نوشتن، آسان‌تر از ساختن است و جلسات، راحت‌تر از کلنگ‌زدن. قانونگذار، بی‌تعارف، تکلیف را روشن کرده است. اصل ۳۱ قانون اساسی، بی‌نیاز از تفسیر و توضیح اضافی می‌گوید: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.» در برابر چنین اصل روشنی، نیازی به نطق‌های پرطمطراق یا بازتعریف واژگان نیست. کار باید پیش برود، نه کلمات.

از «قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن» گرفته تا «قانون جهش تولید مسکن»، از «برنامه‌های توسعه پنج‌ساله» تا «سند ملی آمایش سرزمین»، هیچ کمبودی در اسناد قانونی، اجرایی و بالادستی احساس نمی‌شود. این سیاست‌ها در دهها بند و ماده، دولت را ملزم کرده‌اند به تأمین زمین، تسهیلات، زیرساخت و حتی مشارکت عمومی برای خانه‌دار کردن مردم. مسئله ما امروز «نبود قانون» نیست، بلکه بی‌اثر شدن قانون زیر فشار دیوان‌سالاری، مصلحت‌سنجی، بی‌ثباتی اقتصادی و بی‌برنامگی اجرایی است و حال، ورود مجمع تشخیص به این حوزه، اگر با همین سبک همیشگی «بررسی و تصویب سیاست‌های کلی» ادامه یابد، بیم آن می‌رود یک لایه دیگر به انبوه لایه‌های ناکارآمدی افزوده شود، بی‌آنکه گرهی از زمین بدون مسکن باز کند. این نقد از سر طعن و تخریب نیست. اتفاقاً مجمع تشخیص مصلحت نظام، ظرفیت مهمی در مهندسی کلان‌نگر مسیر توسعه کشور دارد، اما به جای آنکه این ظرفیت در تکرار سیاست‌هایی که پیش‌تر تصویب شده‌اند صرف شود، می‌توان آن را معطوف به نقد صریح و شفاف از عدم‌اجرای همین سیاست‌ها کرد.

چه کسی باید پاسخ دهد که چرا قانون جهش تولید مسکن، پس از تصویب در مجلس، نه از سوی دولت سابق و نه از سوی دولت فعلی، به درستی اجرایی نشد؟ کدام نهاد باید درباره سرنوشت ناتمام اصل ۳۱ قانون اساسی پاسخگو باشد؟ کدام کمیسیون، بی‌پرده از نقش دلالی زمین در قیمت مسکن پرده برمی‌دارد؟

و کدام گزارش شفاف، از مُسکن و نه درمان بودن طرح‌هایی چون «مسکن اجتماعی»، «مسکن ملی» یا حتی «مسکن مهر» عبرت گرفته و راه نو می‌جوید؟ بررسی سیاست‌های کلی مسکن، اگر بخواهد همچون دفعات پیش، صرفاً به «تدوین سند» و «برگزاری جلسات» خلاصه شود، چیزی به سفره قانون اضافه نخواهد کرد. این زمین، تشنه تصمیم تازه نیست، تشنه اجرای همان تصمیمات فراموش‌شده است.

مسکن مسئله‌ای است که اقتصاد، اجتماع و حتی سیاست را به‌هم گره می‌زند. هیچ‌کدام از بحران‌های امروز، اعم از کاهش نرخ فرزندآوری، مهاجرت نخبگان، رشد حاشیه‌نشینی یا تعمیق شکاف طبقاتی، بی‌ارتباط با وضعیت مسکن نیست. وقتی مسکن تبدیل به کالای سرمایه‌ای می‌شود، عدالت فرو می‌ریزد. وقتی زمین، ابزار سوداگری می‌شود، زندگی مردم به بی‌ثباتی کشیده می‌شود. در این میان، مسئولان دولتی نیز باید بدانند حضورشان در جلسات عالی، وقتی ارزشمند است که به جای ارائه گزارش‌های آماری، با دست پُر از تجربه‌های واقعی و نقد عملکرد خود حاضر شوند. امروز دیگر زمان آن نیست که بگوییم «ما طرح داریم»، «برنامه داریم»، «اولویت‌بندی کرده‌ایم». مردم، خانه می‌خواهند، نه پاورپوینت.

مسکن در کشورمان، بیش از آنکه از نبود زمین یا مصالح یا تسهیلات رنج ببرد، از نبود هماهنگی میان نهادهای ذی‌ربط، ناپایداری سیاست‌ها و نداشتن فرماندهی واحد آسیب می‌بینند. ما وزارت راه داریم، بانک مسکن داریم، بنیاد مسکن داریم، شهرداری داریم و دهها نهاد دیگر، اما آنچه نداریم، یک فرمانده واحد و پاسخگو است و این خلأ را هیچ سند جدیدی جبران نخواهد کرد. اگر مجمع تشخیص، حقیقتاً به دنبال اصلاح ساختار حوزه مسکن است، شاید بهتر باشد به‌جای تصویب سیاست‌های جدید، دست به کار ارزیابی سیاست‌های گذشته و دلایل ناکامی آنها شود. شاید بهتر باشد در جایگاه ناظر عالی، از دولت و مجلس بخواهد جدول اجرای قوانین قبلی را با عدد و سند ارائه دهند و شاید، بهتر از همه، آن باشد که اصل ۳۱ قانون اساسی، به‌عنوان منشور حقوق مسکنی مردم، به‌جای قاب دیواری در نهادها، به یک شاخص اجرایی در ارزیابی عملکرد دولت‌ها تبدیل شود.

خانه، ساده‌ترین نیاز انسان است، اما پیچیده‌ترین مسئله در ساختار اقتصادی و سیاسی ما شده است و تا زمانی که به این پیچیدگی، با همان شیوه‌های تکراری پاسخ داده شود، هیچ سیاست کلی تازه‌ای، سقفی برای بی‌خانمان‌ها نخواهد شد، از این رو ورود مجدد به سیاستگذاری مسکن، بدون بازخوانی شفاف ضعف‌های اجرایی، بی‌آنکه نظام پاسخگویی و ضمانت اجرا تعریف شود، چیزی جز افزودن سایه‌ای جدید بر دیوار خانه قانون نیست.

در شرایطی که دهک‌های پایین جامعه سهمی از بازار مسکن ندارند و اجاره‌نشینی به بحران بدل شده است، نهادهای حاکمیتی باید بیش از سیاستگذاری، به‌دنبال احیای ضمانت اجرایی سیاست‌ها و مبارزه با رانت‌های پنهان در بازار زمین و مسکن باشند. سال‌هاست زمین شهری، به جای آنکه ابزاری برای توسعه عدالت باشد، ابزار سودجویان و زمین‌خواران شده است. در همین حال، فرایندهای صدور پروانه، تغییر کاربری، تفکیک زمین، تأمین خدمات شهری، پرداخت تسهیلات بانکی و حتی طراحی نقشه ساختمان، آنقدر پیچیده، گران، فرسایشی و پرمفسده‌اند که یک سازنده واقعی را فراری می‌دهند. اینها جایی در سیاست‌های کلی ندارند، اما در میدان عمل، تعیین‌کننده هستند، در نتیجه تا زمانی که اراده‌ای برای حذف این پیچیدگی‌ها و مقابله با فساد سیستمی در میان نباشد، تدوین سیاست‌های نو، جز رنگ‌آمیزی دیوارهای قدیمی، ثمری ندارد. آیا بهتر نیست به‌جای صدور بندهای کلی، دست به تهیه نقشه‌راهی الزام‌آور برای اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی بزنند؟ آیا نباید سازوکاری طراحی شود که هر دولتی، در پایان دوره خود، در برابر مجلس و ملت، پاسخگوی تحقق حق مسکن آحاد مردم باشد؟ آیا وقت آن نرسیده است که سیاستگذار، خود را به سنجش‌پذیری متعهد کند، نه به گزارش‌سازی؟ خانه باید ساخته شود، اما نه فقط با آجر، با صداقت، شفافیت و سیاست‌هایی که به جای تکرار، دردی از کف جامعه دوا کند و تا آن روز، این خانه همچنان بی‌سقف است و مردمی که چشم‌انتظار سقفی هستند، دیگر دلخوش به مصوبه‌ای تازه نمی‌شوند، بلکه منتظر نشانه‌ای از عزم هستند، نه از عبارات.

### آقای پزشکیان! سخنان خوب اگر بی‌عملی دنبال‌شان کند، به ضد خود بدل می‌شوند

# پیشنهاد انقلابی رئیس‌جمهور را از پاستور عملی کنید

**اینکه پزشکیان گفته نباید بابت بیکاری در ادارات حقوق داد، درست است**
**اما اگر دولت در عمل نتواند این حرف‌ها را اجرایی کند، این سخنان هم به جمع شعارهای بی‌حاصل می‌پیوندد**

گزارش
هادی اسماعیلی

**«پول باید پشت کار برود، نه پشت میز خالی» این جمله را می‌توان لب‌سخن رئیس‌جمهور در جدیدترین موضع‌گیری‌اش دانست. مسعود پزشکیان که پیش‌تر گفته بود «ادارات دولتی برق خود را از پنل خورشیدی تأمین کنند چون در تابستان به آنها برق نمی‌دهیم»، این‌بار نیز در قالب یک گزاره شفاف و اقتصادی، خواستار آن شد که حقوق کارمندان و هزینه‌های بودجه‌ای دستگاه‌ها، بر اساس میزان کارایی واقعی پرداخت شود، اما همان‌گونه که آن توصیه انرژی‌محور به آزمون سخت تابستان و برق ادارات حواله داده شده است، این سخن هم راهی جز آزمون شفاف اجرا ندارد. پرسش این است، آیا دولت چهاردهم جسارت آن را دارد این ایده را از گفتار به کردار تبدیل کند یا اینکه بار دیگر، شعارهای اصلاح‌گرایانه زیر خاکستر ساختارهای دولت فربه مدفون خواهند شد؟ اگر قرار است کسی بابت کارنکرده پول نگیرد، این آزمون باید از خود دولت آغاز شود.**

رئیس‌جمهور در همایش «بهره‌وری ملی» صراحتاً اعلام کرد: «باید بر اساس عملکرد بودجه داده شود، یعنی اگر من کار کردم پول بدهند. چرا وقتی کار نمی‌کنم به من پول می‌دهند؟» این سخن، هرچند ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، اما در نظام اداری کشورمان یک انقلاب فکری به‌شمار می‌آید.

در بسیاری از دستگاه‌های دولتی، ارزیابی عملکرد بیشتر شبیه تشریفات اداری است تا فرایندی واقعی. فرم‌هایی پر می‌شود، امضاهایی گرفته می‌شود و نهایتاً همه «مطلوب» می‌گیرند. هیچ تفاوت معناداری میان کارمندی که روزانه دهها پرونده را بررسی می‌کند و کسی که فقط حضور فیزیکی دارد، در نظام پرداخت وجود ندارد. نتیجه این بی‌تفاوتی کارآمدی، فرسودگی سیستم اداری، رشد دیوان‌سالاری ناکارآمد و نارضایتی عمومی از خدمات دولتی است.

**■ «شجاعت اصلاح» از درون دولت شروع می‌شود**

چندی قبل، همین رئیس‌جمهور پیشنهاد داده بود ادارات برق خود را با پنل خورشیدی تأمین کنند، اما تابستان آمد و رفت و هیچ اداره‌ای از برق دولتی بی‌نیاز نشد. حالا هم اگر قرار است حقوق‌ها بر پایه عملکرد واقعی تنظیم شود، لازم است سامانه‌هایی برای سنجش عینی و قابل‌ردیابی راه‌اندازی شود. در غیر این صورت، این حرف نیز در صف بی‌انتها و بایگانی‌شده وعده‌ها قرار خواهد گرفت.

اگر رئیس‌جمهور خواهان اعتماد عمومی است، باید نشان دهد در برابر ساختارهای تنبل و مقاومت‌زده اداری، عقب‌نشینی نخواهد کرد. آزمون عملیاتی این سخن، می‌تواند از خود نهاد ریاست‌جمهوری آغاز شود؛ دولت می‌تواند فهرستی از ادارات کم‌کار را منتشر و پرداخت‌ها را متناسب با کارکرد واقعی بازتنظیم کند. سخنان پزشکیان هرچند جسورانه و منطقی است، اما اگر پشتوانه اجرایی نداشته باشد، به شعاری دیگر در گنجینه شعارهای اجرانشده دولت‌ها تبدیل خواهد شد.

اصل کارآمدی، شفافیت و پرداخت بر مبنای بهره‌وری باید در دل ساختار بودجه‌ای دولت نهادینه شود. این کار جسارت می‌طلبد؛ جسارت در برابر بدنه ناکارآمد، مقاومت‌های سیاسی و حتی برخی مدیران همسو.

**■ فساد بی‌صدا، بودجه بی‌صاحب**

بخش عمده بودجه عمومی کشور، نه در توسعه زیرساخت، بلکه در چرخه‌ای از ناکارآمدی، رانت و هزینه‌های زائد هدر می‌رود. نهادهایی با عناوین رنگارنگ، با مأموریت‌های تکراری و بدون خروجی، فقط برای چرخاندن ساختاری ایجاد شده‌اند که بیش از آنکه دولت را کارآمد کنند، آن را به یک هیولای اداری بی‌مصرف بدل کرده‌اند.

حقوق‌های بدون کار، پاداش‌های بدون عملکرد، قراردادهای بدون نظارت و سفرهای خارجی و داخلی بی‌ثمر، همه‌وهمه بخش‌هایی از این چرخه هستند. در چنین ساختاری، سخن گفتن از پرداخت بر اساس عملکرد، اگر در عمل به حذف این مفاسد منتهی نشود، بیشتر به یک طنز تلخ شبیه است. آیا کسی بابت این ولخرجی‌ها بازخواست شده است؟ آیا یک مدیر، یک معاون یا حتی یک کارمند، صرفاً به‌دلیل اتلاف منابع عمومی کنار گذاشته شده است؟ نه.

در دولت‌های مختلف، با هر نام و رویکردی، اصل بر «ادامه وضع موجود» بوده است؛ بدنه‌ای که تغییر نمی‌کند، فقط مدیرش عوض می‌شود و منش همان است که بود. در شرایطی که مردم حتی برای ابتدایی‌ترین خدمات باید ساعت‌ها منتظر بمانند، هزاران کارمند، فقط به اعتبار روابط یا سوابق بی‌ارتباط با کارآمدی، حقوق‌های بالا دریافت می‌کنند.

**■ درد واقعی، دولت فربه و بی‌خاصیت است**

درد امروز کشورمان، صرفاً پرداخت‌نشدن عادلانه حقوق نیست، بلکه اصل ماجرا این است که دولت فربه شده، بی‌آنکه کارآمد شده باشد و این فربهی، دقیقاً همان زمینه‌ساز فساد بی‌صداست؛ فسادی که نه نیاز به اختلاس چندهزارمیلیاردی دارد، نه نیاز به تیترهای جنجالی، فقط کافی است کسی سال‌ها بیکار بنشیند و حقوقش را بگیرد. برای اصلاح این وضعیت، باید ساختار را نه در گفتار که در عمل کوچک کرد. نهادهای موازی را حذف و مأموریت‌های زائد را ادغام کرد و پرداخت‌ها را به شاخص‌های عینی گره زد، اما آیا دولت چنین قصدی دارد؟ هنوز هیچ نشانه‌ای از عزم جدی دیده نمی‌شود. دولت اگر راست می‌گوید، باید یک بار برای همیشه فهرست نهادهای زائد، نیروهای کم‌کار، قراردادهای رانتی و هزینه‌های پرت را منتشر کند. باید اعلام کند چند درصد از بودجه جاری صرف حقوق بدون بازدهی می‌شود؟ چند اداره، بدون حتی یک خروجی مشخص، ماهانه میلیاردها تومان می‌بلعند و از همه مهم‌تر، آیا دولت اراده دارد که جلوی این چرخه ولخرجی را بگیرد یا باز هم قرار است با سخنرانی و وعده، اصل مسئله به فراموشی سپرده شود؟ البته همان روز یک‌شنبه با دستور مستقیم رئیس‌جمهور، سه دستگاه اجرایی کشور به‌صورت آزمایشی وارد مرحله‌ای شدند که پرداخت حقوق کارمندان‌شان به جای فرمول سنتی، بر مبنای عملکرد واقعی انجام می‌شود.

> **دولت اگر فقط به گفتار بسنده و حلقه‌های رانتی و ولخرجی را حفظ کند، اعتماد عمومی را از دست خواهد داد و این حرف‌ها، بدل به شعاری بی‌اثر خواهند شد**

> **اگر بناست کسی بابت کار نکردن حقوق نگیرد، آزمون نخست باید از خود بدنه دولت آغاز شود؛ آنجا که هزاران پست صوری و ناکارآمد هر ماه بیت‌المال را می‌بلعند**

این گام، اگرچه محدود و اولیه است، اما می‌تواند یکی از جدی‌ترین تغییرات در سازوکار اداری کشور تلقی شود؛ به شرط آنکه گرفتار همان سرنوشت طرح‌های ناتمام نشود.

در واقع، اگر رئیس‌جمهور می‌خواهد به وعده‌های خود وفادار بماند، اجرای موفق این سه‌گانه باید مقدمه‌ای برای اصلاح فراگیر کل ساختار دولت باشد، نه ویترینی برای رسانه‌ها چراکه سال‌هاست مردم اجرای طرح‌هایی را دیده‌اند که در ابتدای مسیر، خبرساز و امیدوارکننده‌اند، اما اندکی بعد، در سایه ضعف اراده اجرایی یا مقاومت‌های درون‌ساختاری، به فراموشی سپرده می‌شوند.

شفافیت در انتخاب این سه نهاد و ارائه گزارش‌های ماهانه از نتایج اجرای آزمایشی، آزمونی جدی برای صداقت دولت در این مسیر خواهد بود.

از سوی دیگر، اجرای عدالت در پرداخت، زمانی محقق می‌شود که ابزار شفاف، سنجش‌پذیر و قابل ردیابی برای ارزیابی عملکرد در دسترس باشد.

بدون تعریف شاخص‌های دقیق، هرگونه پرداخت مبتنی بر عملکرد، خود منشأ تبعیض و فساد خواهد شد، بنابراین اگر قرار است این سیاست به نتیجه برسد، لازم است در کنار آن، نظام ارزیابی یکپارچه، سامانه‌های گزارش‌گیری و نظارت بر صحت عملکردها نیز طراحی و فعال شود.

دولت باید بداند که این حرکت، اگر ادامه نیابد، نه‌تنها دستاوردی ندارد، بلکه سبب بی‌اعتباری وعده‌ها و شعارها خواهد شد.

انتظار این است که رئیس‌جمهور، همان‌گونه که آغاز کار را به رسانه‌ها اعلام کرده، پایان آن را نیز با گزارشی دقیق و شفاف به مردم ارائه دهد.

مردم حق دارند بدانند آیا کارمندان کم‌کار، واقعاً کمتر گرفته‌اند؟ آیا مدیران پرهزینه در این ساختار جدید، در برابر ارزیابی ایستاده‌اند؟ و آیا سه دستگاه نخست، نقطه شروع اصلاح ساختاری هستند یا آخرین آن؟ به عبارتی، دولت باید اثبات کند که این حرکت، نه یک نمایش، بلکه جرقه‌ای از تحولی بزرگ در حکمرانی اداری است. اگر چنین باشد، امید تازه‌ای در دل جامعه جوانه خواهد زد، اما اگر همچون پنل خورشیدی و شعارهای قبلی، در همان سطح موعظه باقی بماند، به شعاری دیگر برای فراموشی خواهد انجامید.

**■ حرف خوب کافی نیست**
**اصلاح ساختار می‌خواهیم**

گفتن اینکه «به کسی که کار نمی‌کند، پول ندهید»، بسیار ساده است، اما اجرای آن، پیچیده و پرهزینه خواهد بود، به‌خصوص وقتی پای مدیران متنفذ، نهادهای صاحب‌نفوذ، حلقه‌های رانتی و بدنه مقاوم در برابر اصلاحات به میان بیاید.

دولت امروز اگر می‌خواهد کارنامه‌ای قابل دفاع داشته باشد، نباید فقط این حرف‌ها را بزند، بلکه جرئت اجرای‌شان را هم داشته باشد و رئیس‌جمهور حقوق اطرافیان را ضمانت حرف‌هایش قرار دهد. اعتماد مردم دیگر با شعار بازنمی‌گردد. فقط عمل، آن‌هم عملی سخت و پرهزینه می‌تواند بخشی از این اعتبار از دست رفته را جبران کند.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

شناسه آگهی: ۱۹۴۱۳۸۱

نوبت اول

مناقصه عموم یک مرحله ایی با ارزیابی کیفی
آگهی مناقصه

سهامی خاص

مشخصات مناقصه:

| نام مناقصه گزار | شماره تقاضا / مناقصه | شرح تقاضا | شماره فراخوان | مبلغ بر آورد (یورو) | مبلغ تضمین(یورو) |
|---|---|---|---|---|---|
| شرکت ملی حفاری ایران | 08-22-0345071 FP/20-04/017 | P/F:RETRIEVABLE MWD DRILLING | 2004093985000187 | 2,414,420 | 70,498 |

روش ارزیابی: بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود، انجام می گردد.(حداقل امتیاز ۵۰)

تاریخ شروع دریافت: توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت. تاریخ شروع: (از ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ لغایت ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ )
آخرین مهلت: ۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد (۱۴۰۴/۰۴/۱۰)

انواع تضامین قابل قبول: ضمانتنامه بانکی و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) و سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می باشد. (به اطلاع می رساند ارائه ضمانتنامه صادره از بانک پاسارگاد وسیه مورد پذیرش نخواهد بود.)

مدت اعتبار پیشنهاد / تضمین : ۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)

تذکر: تحویل اسناد به شرکت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانت نامه به آدرس اهواز - بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه - شرکت ملی حفاری ایران - ساختمان پایگاه عملیاتی - طبقه اول پارت B - اتاق ۱۰۷ - دبیر خانه کمیسیون مناقصات - شماره تماس ۳۴۱۴۸۵۶۹ - ۳۴۱۴۸۵۸۰-۰۶۱

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

اداره تدارکات خارجی کالا

کانال های اطلاع رسانی شرکت ملی حفاری ایران http://sapp.ir/nidc pr www.nidc.ir

AC-1404-02

فراخوان برگزاری مزایده عمومی

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان در نظر دارد، به شرح ذیل از طریق فراخوان نسبت به برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید.

الف = فروش یک (۱) باب مغازه (واحد تجاری) به مساحت ۵۰,۲۲ متر مربع واقع در خیابان استقلال درجزین شهرستان مهدیشهر.

الف = فروش یک (۱) باب مغازه (واحد تجاری) به مساحت ۶۷,۱۰ متر مربع واقع در خیابان استقلال درجزین شهرستان مهدیشهر.

الف = فروش یک (۱) باب مغازه (واحد تجاری) به مساحت ۶۷,۱۰ متر مربع واقع در بلوار رسالت درجزین شهرستان مهدیشهر.

از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی علاقه مند به شرکت در مزایده دعوت می نماید، برای دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ به آدرس های ذیل مراجعه نمایند.

۱- سمنان بلوار ۱۷ شهریور روبروی کلینیک دندانپزشکی ساختمان ۱۲۳ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان امور قراردادها تلفن: ۳۱۶۲۰۲۴۸

۲- مهدیشهر میدان نماز بلوار سردار جوادیان جنب اداره پست، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان مهدیشهر واحد پشتیبانی تلفن: ۰۲۳ ۳۳۶۲۱۲۹۹

■■ بدیهی است ارائه قیمت و مدارک تکمیل شده هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان

شناسه آگهی: ۱۹۴۱۶۱۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر دراداره ثبت اسناد واملاک شهرستان پیرانشهر بشرح آرای صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیرانشهر، تصرفات مفروزی ومالکانه متقاضیان مشروحه ذیل واقع در روستای گردبن پلاک ۱۵۶ اصلی بخش ۱۱- ارومیه را تایید و رای به صدور سند مالکیت آنها صادرنموده که مراتب بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می گردد.

۱- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۷۹۵/۵۸ مترمربع تحت پلاک ۲۶۵ فرعی از ۱۵۶ اصلی روستای گردبن مورد تقاضای آقای محمدامین ورزنده بشماره ملی ۲۹۰۹۷۹۴۹۱۱ برابر مدارک موجود در پرونده.

۲- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۶۴۹/۶ مترمربع تحت پلاک ۲۶۴ فرعی از ۱۵۶ اصلی روستای گردبن مورد تقاضای آقای مصطفی حسین پور بشماره ملی ۲۸۹۹۳۸۵۹۰۹ و کامل حسین پور بشماره ملی ۲۸۹۹۹۱۷۵۵۲ برابر مدارک موجود در پرونده.

۳- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۲۲/۶۸ مترمربع تحت پلاک ۲۶۳ فرعی از ۱۵۶ اصلی روستای گردبن مورد تقاضای آقای عبداله ورزنده بشماره ملی ۲۹۰۹۸۶۵۸۳۵ برابر مدارک موجود در پرونده.

۴- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۱۰۳/۰۱ مترمربع تحت پلاک ۲۶۷ فرعی از ۱۵۶ اصلی روستای گردبن مورد تقاضای آقای محمودسلامی بشماره ملی ۲۸۹۹۳۵۷۵۵۷ برابر مدارک موجود در پرونده.

۵- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۱۲۶/۷۳ مترمربع تحت پلاک ۲۲۶ فرعی از ۱۵۶ اصلی روستای گردبن مورد تقاضای آقای محمودسلامی بشماره ملی ۲۸۹۹۳۵۷۵۵۷ برابر مدارک موجود در پرونده.

۶- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۹۷۹/۷۸ مترمربع تحت پلاک ۲۶۸ فرعی از ۱۵۶ اصلی روستای گردبن مورد تقاضای آقای عمر رزمجوی قارنا بشماره ملی ۲۸۹۹۳۵۶۵۰۱ برابر مدارک موجود در پرونده.

بنابه رای صادره دراجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۲ آئین نامه اجرایی آن مراتب دردو نوبت بفاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم ومالکین مشاعی وسایر صاحبان حقوق آگهی میشود لذا درصورتیکه اشخاص به آراء صادره اعتراضی داشته باشند باید از تاریخ انتشار نوبت اول ودرروستاها از تاریخ الصاق درمحل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک پیرانشهر تسلیم ورسید اخذ نماید. معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تحویل نماید ودراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. درصورتیکه اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی مشعر بر تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

شناسه آگهی: ۱۹۱۶۶۶۶